

جاودان باد خاطره کارل مارکس اندیشمند کبیر پرولتاریا!

۱۴ مارس سالگرد درگذشت کارل مارکس اندیشمند کبیر کارگران می باشد. انقلابی بزرگی که به قول فردریک انگلس مرگش "چنان ضایعه‌ای برای پرولتاریای رزمنده" و همچنین "تاریخ علوم است" که "ابعادش غیر قابل اندازه گیری" می باشد. یکی از خدمات فراموش نشدنی کارل مارکس کشف "قانون ویژه حرکت ناظر بر شیوه تولید سرمایه‌داری عصر حاضر و آن جامعه بورژوازی که زاده این شیوه تولید است" می باشد. به قول انگلس: "کشف ارزش اضافه، ناگهان مسئله‌ای را روشن کرد که هم اقتصاددانان بورژوا و هم منتقدین سوسیالیستی که در صدد حلش بودند در تمام بررسی‌های قبلی، در تاریکی کورمالی‌اش می‌کردند". مارکس این کشف را در کتاب جاودانه اش "سرمایه" هر چه بیشتر تشریح نمود.

در گرامیداشت خاطره این اندیشمند بزرگ طبقه کارگر کمی در باره این کتاب خواهیم نوشت. این کتاب در ۱۴ سپتامبر ۱۸۶۷ (۲۳ شهریور) منتشر شد که نزدیک به صد و پنجاه و پنج سال از انتشار جلد اول آن می گذرد اما هنوز هم محتوی آن تازه و آموزنده است. انتشار کتاب «سرمایه» اثر کارل مارکس را می توان به واقع یک انقلاب تئوریک در سطح جهان دانست. (۱)

۱۴ سپتامبر ۲۰۲۲، طبقه کارگر جهان سالگرد این انقلاب تئوریک را در شرایطی پشت سر گذاشت که در حال تجربه بحرانهای بزرگ سرمایه داری و ظلم و ستم و نابرابری و تبااهی های ناشی از آن است و خود را ناگزیر به تلاش برای گسترش هر چه بیشتر جنبش‌های رادیکال برای نابود کردن این سیستم ظالمانه در سراسر جهان میبیند. همانطور که خیزش انقلابی اخیر در ایران نیز عکس العمل کارگران و زحمتکشان و توده های مردم آگاه به شرایط اسفبار غیرانسانی است که طبقه سرمایه دار زالوصفت حاکم ایجاد کرده است.

درست است که مارکس در دوران اولیه رونق سرمایه داری میزیست و دوران سلطه انحصار و امپریالیسم به مثابه فاز بالائی سرمایه داری را به عینه ندیده بود گر چه شاهد شکل گیری چنین روندهائی بود؛ اما این واقعیت تحلیل او را منسوخ نمی کند؛ زیرا او در آثار خود ارتباط ارگانیک بین مراحل مختلف توسعه اقتصاد سرمایه داری را آشکار کرد. او سرمایه‌داری را در جزئیات آن تحلیل کرد و بر این موضوع تأکید کرد که سرمایه‌داری خرابه‌های همه سیستم‌های اجتماعی پیشین را نیز در درون خود حمل می‌کند و اشکال انحصاری سرمایه داری از درون اشکال اولیه آن رشد می کنند. او حدود بیست سال قبل از نوشتن «سرمایه» در کتاب «فقر فلسفه» در بحث علیه نظرات ایده‌آلیستی "پرودون" در رابطه با "رقابت آزاد" توضیح داد که چگونه رقابت آزاد به سمت انحصارات (یعنی مونوپولیها که نقطه کاملاً متقابل و مخالف دیالکتیکی رقابت آزاد هستند) خواهد رفت. علاوه بر این مارکس نشان داد که چگونه در همه انواع سرمایه‌داری حتی در پیشرفته ترین و دمکراتیک ترین شکل سلطه سرمایه داری، سرمایه به تنهایی مالک و فرمانروای ابزار عمده تولید است و به تنهایی بخش بزرگی از ارزش اضافی را تصاحب می کند و تا زمانی که چنین است، حتی اگر ویژگی های ثانویه نظام سرمایه‌داری اصلاح شوند تغییر در واقعیت استثمار طبقه کارگر ایجاد نمی شود و به همین دلیل هم نظریه مارکس نمی تواند منسوخ شود. از این جهت است که کتاب "سرمایه" به مثابه جزو مهمی از علم رهایی بشریت از مظالم سرمایه داری؛ بیش از هر اثر دیگری به بخشی از تاریخ جهان سرمایه‌داری تبدیل شد و بیش از یک قرن است که جنبش‌ها و انقلاب‌های اجتماعی و مبارزات کارگری بسیاری زیر پرچم این علم سازماندهی شده اند. این پتانسیل کتاب "سرمایه" از همان ابتدا شناخته شده بود. به عنوان مثال؛ انجمن بین المللی کارگران (نخستین انترناسیونال) در قطعنامه ای که پس از انتشار جلد اول "سرمایه" به تصویب رساند؛ کارگران جهان را به مطالعه این کتاب ترغیب کرد و خطاب به آنان نوشت که مارکس نخستین اقتصاددانی است که تحلیلی علمی از سرمایه (و سیستم سرمایه داری) ارائه داده و آن را تا عناصر اصلی (و اجزای پایه ای) آن تجزیه و تحلیل نموده است.

اولین ترجمه کتاب سرمایه به زبانی دیگر در سال ۱۸۷۲ و به زبان روسی منتشر شد و پرولتاریای روسیه اولین پرولتاریای جهان بود که درسهای مارکس را با موفقیت در عمل به کار گرفت و موفق شد که نظم اجتماعی کهنه را از بین ببرد و سوسیالیسم را در کشور خود برقرار کند. روشنفکران طبقه کارگر روسیه که کتاب "سرمایه" را در دهه ۱۹۰۰ مطالعه میکردند در شرایطی بودند که سیستم سرمایه داری پوسیده و در حال فروپاشی بود و با شرایط دوران رونق سرمایه داری در کشورهای غرب بسیار

تفاوت داشت. در نتیجه پیش‌بینی پیاده کردن مارکسیسم در روسیه موضوعی خارج از واقعیت‌های زندگی روزمره طبقه کارگر محسوب نمیشد.

یکی از نظرات مهم علمی که در "سرمایه" توضیح داده شده این است که منبع "ارزش" در واقع نیروی کار کارگر می باشد که توسط سرمایه دار استثمار شده است. زیرا که قیمت نیروی کار خیلی کمتر از ارزشی است که در بازار تولید می کند. اما این ارزش اضافی تولید شده؛ تحت مالکیت و کنترل سرمایه است. این نیروی کار (کارگران) استثمار شده منشا ثروت (سرمایه پولی) است که سرمایه دار از کارگران ربوده و در سرمایه گذاریها به کار میگیرد. اما ایدئولوژی سرمایه داری ادعا میکند که تولید ثروت به هوش و دانش افراد سرمایه دار و صاحبان شرکتها و موسسات مالی غول پیکر و علم و ابتکار و ریسک پذیری تولیدکنندگان بستگی دارد. مارکس در پاسخ به این سوال که چرا طبقه کارگر به این استثمار تن میدهد؛ توضیح داده است که از آنجا که سرمایه‌داران مالکیت ابزار تولید را از کارگران ربوده اند؛ کارگران مجبورند که برای زنده ماندن؛ تنها چیزی که برایشان باقی مانده (یعنی نیروی کارشان) را به قیمت بسیار ارزان در بازار کار به صاحبان ابزار تولید (سرمایه داران) بفروشند. از این رو؛ اگر ابزار تولید از طبقه سرمایه دار گرفته شوند و منابع اجتماعی برای رفع نیازهای کل جامعه و به نفع توده های مردم به کار گرفته شوند، مسیر جدیدی برای رهایی جامعه از هر نوع ظلم و ستمی میتواند ایجاد شود.

مارکس در این کتاب نه تنها شرح روشنی از سیستم اقتصادی زیربنای جامعه سرمایه داری ارائه داده؛ پویایی هرج و مرج مابانه و آشفته وار پروسه انباشت سرمایه در طول زمان را نیز نشان داده است. او نشان داده که در پس پدیده‌های ظاهراً آشکار و ملموس مانند سود و قیمت، مسائل نسبتاً مرموزتری (به عنوان مثال در رابطه با تضاد میان اشکال مختلف ارزش؛ یعنی ارزش مصرف و ارزش مبادله‌ای) پنهان شده اند.

از این جهات است که مطالعه و درک آثار کلاسیک مارکسیستی میتواند منجر به شناخت عمیق تر از روابط اقتصادی-اجتماعی و ریشه های شرایط اسفبار زندگی کارگران و زحمتکشانشان در جوامع سرمایه داری معاصر شود.

درواقع کشفیات مارکس در رابطه با قوانین حاکم بر نظام سرمایه داری که در آثار علمی وی تشریح گشته ضربات سهمگینی را بر قلب سرمایه داری فرود آوردند. اولین کشف مارکس این بود که سرمایه داری یک پدیده طبیعی و ابدی نیست و بر فرآیندهای تاریخی و کاملاً طبیعی استوار است و در شرایط تاریخی خاصی ایجاد شده که در حال تغییر می باشند. این سیستم ابزار تولید را با زور و سرکوب و حيله و تقلب از دسترس اکثریت جامعه خارج کرده و آنها را برای زنده ماندن؛ به بردگی برای متصرفان ابزار تولید وادار کرده است. یکی از کشفیات مارکس "قوانین ویژه" سرمایه داری بود. این قوانین شامل ۳ قانون "ارزش"؛ قانون "انباشت" و قانون "گرایش نزولی نرخ سود" هستند. کارگران در چهارچوب این قوانین ویژه برای تولید "ارزش اضافی" استثمار میشوند. سرمایه داران بر سر توزیع ارزش اضافی با هم رقابت و مبارزه میکنند و تضادهای میان سرمایه داران مختلف گاه به جنگ بین سرمایه داران منجر می شود و در دوران امپریالیسم جهان شاهد این رقابتهای بین المللی و جنگ های امپریالیستی بوده است. چرا آگاهی بر ماهیت سیستم سرمایه داری و قوانین حاکم بر آن مهم هستند؟ پیش از هر چیز؛ این قوانین ضرورت انقلاب کارگری را تقویت می کنند و نشان میدهند که نمیتوان در سیستم سرمایه داری هیچ آینده صلح آمیز و مرفه و پایداری برای طبقه کارگر و حتی برای جهان بشریت تصور کرد.

برخلاف فئودالیسم و برده داری که استثمار و ستم به اشکال آشکار و ظالمانه و ستمگرانه بودند؛ سیستم سرمایه داری از طریق پنهان کردن واقعیت استثمار طبقه کارگر پشت نقابهای فریبکارانه (مانند دروغ "فرصت های برابر برای پیشرفت فردی همه افراد جامعه به طور یکسان") موفق شده که بر عمر جنایتکارانه خود بیافزاید. اما مارکس در «سرمایه» از طریق کشفیات علمی خود ماهیت واقعی سرمایه داری را به طبقه کارگر شناسانده است. به عنوان مثال مارکس با توضیح قانون "ارزش اضافی" نشان داده که در پشت توهمی به نام "بازار دموکراتیک بر اساس عرضه و تقاضا"؛ واقعیتی به نام "محل کار" وجود دارد که جایی است که افرادی که در تلاش معاش هستند؛ مجبورند که خیلی بیشتر از آنچه که برای دریافت دستمزدشان لازم است؛ کار کنند. سرمایه دار بخش بسیار کوچکی از

سود حاصل از کار کارگران را به عنوان دستمزد به آنها می‌دهد و بزرگترین بخش سود را خود تصاحب میکند. این نظریه مارکس با شرایط اقتصادی مدرن در دوران امپریالیستی (یعنی در دوران سرمایه داری انحصاری جهانی که سرمایه مالی بر تولید و توزیع جهانی مسلط شده است) نیز تطابق دارد و آن را میتوان برای توضیح پدیده "رانت امپریالیستی" که از دستمزدهای شدیداً نابرابر برای کار مشابهی که توسط طبقه کارگر جوامع تحت ستم (مانند ایران) و کشورهای امپریالیستی (یا میتوان گفت دستمزد نابرابر برای کار مشابه در کشورهای فقیر و ثروتمند) به جیب امپریالیستها سرازیر میشود، گسترش داد.

شهرت مجدد حیرت‌انگیز "سرمایه" در چند دهه اخیر ثابت میکند که این کتاب هنوز ابزاری قوی در دست طبقه کارگر و متحدین آگاه آن برای ایجاد تحولات انقلابی پیروزمند جهت نجات بشریت از سیستم سرمایه داری است. به عنوان مثال یکی از نتایج غیرمنتظره بحران و رکود اقتصادی جهانی که در سال ۲۰۰۸ آغاز شد، افزایش فروش کتاب "سرمایه" بود. زیرا که توده های مردم آگاه جهان بار دیگر پس از سقوط سرمایه مالی جهانی، در تلاش برای یافتن آلترناتیوی علمی به کتاب "سرمایه" مراجعه کردند؛ کتابی که حاوی کلید کشف بسیاری از ابهامات سرمایه داری مدرن است.

اگر به تلاشهای طبقه سرمایه دار حاکم بر جهان علیه علم مارکسیسم (ایدئولوژی رهایی طبقه کارگر) و تحریفات و فریبکاری های بی پایان آنها توجه کنیم؛ میبینیم که هر فرد آگاه و مبارزی که قصد تغییر جهان نابرابر و ظالمانه کنونی را دارد؛ چه افرادی که مطالعات مارکسیستی گسترده دارند و چه آنها که در ابتدای راه آموختن مارکسیسم هستند و حتی کسانی که خود را مارکسیسم نمیدانند، باید کتاب "سرمایه" را بخصوص در دوران بحرانی کنونی بیاموزد.

واقعیت این است که در جوامع سرمایه داری علیرغم اینکه همه افراد جامعه بخصوص طبقه کارگر تقریباً هر روز درگیر فعالیت اقتصادی هستند؛ معمولاً علم اقتصاد خارج از دسترس توده های مردم است و به یک میحث دشوار و حتی ترسناک برای اکثر آنان تبدیل شده است. اما کتاب "سرمایه" (علیرغم اینکه تا حدی مانند سایر متون اقتصادی به راحتی قابل آموختن نیست) واقعیاتی را که زیر ظواهر سرمایه داری نهفته هستند را آشکار کرده است.

وقتی که میبینیم آنچه مارکس به عنوان سه خصیصه اساسی تولید سرمایه داری توضیح داده (تمرکز ابزار تولید در دست طبقه سرمایه دار؛ سازماندهی نیروی کار؛ ظهور بازار جهانی) تغییر چندانی نکرده اند؛ برایمان ثابت میشود که درسهای کتاب "سرمایه" با شرایط کنونی انطباق کامل دارند و مطالعه و درک آن برای انقلابیون امروز نیز بسیار ضروری و مفید است. واقعیت شرایط کنونی این است که قدرتهای امپریالیستی هرگز تا این حد در سرکوب و کنترل توده های مردم جهان با استفاده از فریبکاری و توطئه های بی پایان موفق نبوده اند. اما هرچقدر که چشم اندازه های زندگی مدرن انسان بیش از پیش مبهم و تاریک میشوند، علم مارکسیسم می‌تواند در زدودن غبار از چهره واقعیت به طبقه کارگر آگاه کمک کند.

زیرنویس:

(۱) برخی منابع ۱۱ سپتامبر و برخی دیگر ۱۴ سپتامبر ۱۸۶۷ (۲۳ شهریور) را روز انتشار اولین نسخه آلمانی کتاب «سرمایه» ذکر کرده اند. مارکس این شاهکار خود را حدود دو دهه پس از «مانیفست کمونیست» و دو سال پس از جنگ داخلی آمریکا منتشر کرد. "سرمایه" از سه جلد تشکیل شده است. جلد اول آن که در مورد فرآیند تولید سرمایه است؛ برای اولین بار به زبان آلمانی در سپتامبر ۱۸۶۷ در شهر هامبورگ منتشر شد. جلد دوم در مورد فرآیند گردش سرمایه و جلد سوم در مورد روند کلی تولید و توزیع در سیستم سرمایه داری است که توسط انگلس با استفاده از دست نوشته های مارکس در سالهای ۱۸۸۵ و ۱۸۹۴ منتشر شدند.

سهیلا - اسفند ۱۴۰۱